

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۱۶ فبروری ۲۰۱۲

## کتاب‌های مقدس آسمانی

### چهار کتاب

#### بخش ششم

سوالهای که خداوند از بندگان خود در قرآن می‌نماید خیلی هم در سطح پائین فهم بشری بوده بد نخواهد بود تا چندی از این سوالها را از قرآن و آیت‌های گفته شده بیرون نویسد و ارزیابی داریم. در زمان حیات محمد و نزول قرآن بعضی از مشرکین عقیده داشتند که فرشتگان «زن» هستند و قرآن برای روشن ساختن این موضوع آیت ۱۹ سوره زخرف را چنین شرح می‌دهد:

( و فرشتگان را که بندگان خداوند زن پنداشتند آیا به هنگام خلقت شان حاضر بودند؟؟ ) همچنان در آیت ۱۵۰ سوره احزاب چنین گفته می‌شود:

( آیا «زمانیکه» ما فرشتگان را آفریدیم آن‌ها – یعنی مشرکان – شاهد بودند ؟ ) طرح چنین سؤالاتی از بندگان مشرک نمی‌تواند کلام خدای خالق کائنات باشد و خداوند شرط شناخت ماهیت جنسی فرشتگان را وجود در زمان خلقت شان بداند جای دیگری هم در قرآن می‌خوانیم که خداوند با تعجب می‌پرسد : ( چگونه ممکن است «خدا» فرزندی داشته باشد حال آنکه همسری نداشته ؟ ) آیت ۱۰۱ سوره انعام

اینجا خداوند که خودش مادی نیست اما مادی فکر نموده و دلیل فرزند داشتن را در داشتن همسر می‌داند و فراموش نموده که بارها خودش در همین قرآن گفته که آدم «پیامبر بدون امت» را بدون پدر و مادر از خاک آفریده و یا اینکه از روح خود توسط جبرئیل در مریم باکره دمانده؟؟

در سوره انبیاء آیت ۳۰ خداوند باز از روی تعجب می‌پرسد : ( آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین «در ابتداء» به هم پیوسته بودند و ما آن‌ها را از هم جدا کردیم و هر چیزی زنده‌ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا «باز هم» ایمان نمی‌آورند ؟ ) به این ارتباط باید گفت که در زمانی که آسمانها و زمین با هم پیوسته بودند کافران وجود نداشتند تا جدا نمودن آن‌ها را توسط بازوان قوی خداوند شاهد می‌بودند و اگر هم وجود می‌داشتند فقط حادثه مذکور را می‌دیدند نه دخالت خدا را؟؟ و مسأله مهم‌تر این که : در قرآن از خلقت آسمانها و زمین و هر چه در بین آنهاست

صحبت شده این سؤال مطرح می‌شود که آسمان‌ها و زمین را به هم چسبیده و چرا خلق نموده است؟؟ اگر خدا خالق آن است چرا آن‌ها را به هم چسبیده خلق نمود تا بعداً مجبور به جدا نمودن آن‌ها از همدیگر باشد. و چه چیز باعث شده تا خداوند آن‌ها را جدا سازد؟؟ ضرورت‌های غیر پیشبینی شده خواست‌های بشری؟؟ یا تغییر تصمیم خود خدا؟؟ و اگر هم به همان شکل چسبیده باقی می‌ماند چه عیبی داشت؟؟

در بعضی از آیات قرآن آمده است که عده‌ای از یهودیان (اصحاب الست) در روز شنبه مرتکب نا فرمانی شدند و خداوند همه آن‌ها را تبدیل به بوزینه نمود تا عبرتی به دیگران شود. و این موضوع در آیات ۶۵ و ۶۶ سوره بقره چنین است: ( کسانی از شما «یهودیان» را که در روز شنبه «از فرمان خدا» تجاوز «سر پیچی» کردند نیک شناختید پس ایشان را گفتیم: بوزینه‌های طرد شده باشند. و ما آن «عقوبت» را برای حاضران و «نسل‌های» پس از آن عبرتی و برای پرهیزگاران پندی قرار دادیم. ) و در آیات ۱۶۳ تا ۱۶۶ سوره اعراف نیز به این موضوع اشاره شده است. اما معلوم نشده که آن یهودیان بیچاره چه نا فرمانی و خطائی را مرتکب شده بودند؟؟ تا آنجا که من میدانم تعداد زیادی از عالمان اسلامی - آیت الله‌ها - شیخک‌های دنباله‌رو اعراب و پرو فیسوران اسلامی به روایاتی از محمد و امامان شان گناه و جرم شان را ماهیگیری در روز شنبه دانسته‌اند و این ماهی‌گیری که به روش خاصی انجام می‌شد در روز شنبه برای یهودیان منع قرار داده شده بود. حال سؤالی است که عدالت خداوندی که شامل قوم یهود شده آیا شامل مسلمانان و یا انانی که خود را مسلمان می‌دانند هم می‌شود یا نه؟؟ چرا این الله یک کمی توجه به حال بد بختی ما ملت زجر کشیده نمی‌کند؟؟؟ چرا چند نفر از این سیاف‌ها، مجددی‌ها، گیلانی‌ها، عبدالله‌ها، قانونی‌ها، ملا عمر‌ها، گلب‌الدین‌ها، محقق‌ها، خلیلی‌ها، فهیم‌ها، کرزی‌ها و ده‌ها و صد‌ها جنایت‌کار خونخوار وحشی را که هزاران بار از احکام خداوندی تخلف ورزیده‌اند و هزاران جنایت و بی‌ناموسی را مرتکب شدند برای مدتی ولو کوتاهی هم باشد تبدیل به سگ و بوزینه و امثالهم نمی‌کند تا برای باقیمانده موجودات لاشخواران درنده‌خو‌های کثیف عبرتی باشد؟؟؟؟؟؟

چون صحبت روی خدائی است که محمد در قرآن معرفی می‌دارد می‌بینیم که این خالق یک اندازه وقت خود را صرف کار‌های روزانه خانوادگی پیامبرش مخصوصاً آئین زنا شوئی و همچنان معاشرت زنانش می‌نماید. این در دو حالت می‌تواند صورت گیرد. یکی این که خالق و الله دیگر کاری نداشته و تمام کار‌های خداوندی را تمام نموده و از بیکاری شروع نموده است به قانون گذاری و طرح شرایط راجع به همخوابگی پیامبرش با زنان و یا اینکه خود این الله علاقه خاصی به چنین موضوعات دارد. چون وقتی در قرآن همچو موضوعاتی را می‌خوانیم می‌بینیم که این الله تحمل دیدن مشکل زیر نافی پیامبرش را ندارد و فو را با صدور آیه‌ای ولو ضد فرموده قبلی او باشد به کمک وی می‌شتابد و من در نوشتار قبلی‌ام در مورد این آیات و مشکلات جنسی محمد مفصلاً یاد آوری نموده‌ام که تکرار آن آیات از جمله مکررات خواهد بود

با توجه دقیق در آیات قرآنی خواهیم دید که نزول بعضی از آیات توسط آیتی دیگری لغو شده است و دو گونه گوئی قرآن در همان مورد مشخص این باور را در انسان به وجود می‌آورد که الله هم گاهگاهی تغییر فکر داده و به گفته مسلمانان (ناسخ و منسوخ) به وجود می‌آید. این مسأله ناسخ و منسوخ حتی نمی‌تواند جلب توجه ابتدائی‌ترین دانش انسانی را نماید چون در محتوی جزاین که تشتت فکری خداوند را نشان بدهد چیزی دیگر از آن استنباط نمی‌شود. حال با مروری مختصر بر این آیات قضاوت خوانندگان گرامی را خواهانم. آیت ۵۴ سوره انعام می‌گوید (... هر کس از شما که از روی نادانی کاری بدی کند آنگاه توبه کند و نیکو کار شود بداند که خدا «نسبت به او» آمرزنده و مهر بان است) آیت ۱۱۹ سوره نحل نیز همین مضمون را تکرار می‌کند: (پرور دگار تو برای کسانی

که از روی نادانی مرتکب کاری زشت شوند سپس توبه کنند و به اصلاح آیند آمرزنده و مهر بان است.) آیت ۱۷  
 سوره نساء نیز با صراحت چنین می گوید : ( « قبول » توبه بر خدا فقط برای کسانی است که بدی «گناه» به نادانی  
 کنند سپس به زودی توبه کنند آنانند که خدا به سوی شان باز میگردد . «و توبه شان را می پذیرد» ... ) مفهوم آیات  
 فوق چنین می فهماند که اگر گناهی به نادانی «نه قصدی» از انسان سر بزند و او هم توبه نماید مورد عفو خداوند  
 قرار می گیرد اما در آیت ۱۵۳ سوره نساء می خوانیم که : ( اهل کتاب از تو میخواهند که کتابی از آسمان برای آنان  
 فرو آری . همانا از موسی بزرگتر از این خواستند که گفتند : خدای را آشکار به ما نشان بده . پس صاعقه آنان را  
 به سبب «گستاخی» و شتمانت بگرفت . سپس گوساله را پس از آن که نشانه های روشن و آشکار «معجزات»  
 برایشان آمده بود «به خدائی» گرفتند و ما «پس از آنکه توبه کردند» از آن گناه در گذشتیم ... ) بیانات این آیت نشان  
 می دهد که خداوند گناهان عمدی بنی اسرائیل را که قصداً و عالمانه انجام داده بودند و آن ها شامل شرک شده بودند  
 نادیده گرفته توبه شان را قبول و گناهان شان را بخشید. و این آیت در تناقص با آیت ۱۷ سوره نساء می باشد.

در آیت ۷۸ سوره نساء می خوانیم که : ( ..... و اگر خیری «پیش آمد خوبی» به آنان رسد می گویند: این از جانب  
 خداست و چون شری «صدمه یا پیش آمد بدی» به ایشان رسد می گویند : این از جانب توست . بگو : همه از جانب  
 خداست ..... ) این آیت قرآن بیان کننده همان شرایط خاصی که محمد زنده بود می باشد و در شرایط امروزی جای  
 ندارد چون فکر نمی کنم کسی مصیبت های وارده زندگی امروزی را از جانب محمد بداند. در آیت فوق گفته شده که  
 خیر و شر از طرف خداست نه محمد. اما در آیات ذیل چنین میخوانیم : آیت ۷۹ سوره نساء و آیت ۳۰ سوره شوری:  
 ( هر خیری که به تو می رسد از جانب خداست و هر شری که بتو برسد از جانب خود توست .... ) ( و هر مصیبتی  
 که به شما می رسد به سبب کار های است که خودتان کرده اید ..... ) مطابق تشریحات این آیات هرگونه مصیبت  
 و شر که به انسان می رسد نتیجه اعمال، گناهان و خطاهای خود او است. پس با در نظر داشت این آیات برویم به  
 سراغ ایوب پیغمبر که در مصیبت های وارده بر زندگی و بدنش چه گفته و در قرآن منعکس شده است. آیت ۴۱  
 سوره ص : ( و از بنده ما ایوب یاد کن آنگاه که به پروردگارش گفت : شیطان مرا به رنج و عذاب افکنده است.)  
 یعنی چی؟؟ آیا ایوب پیغمبر به شیطان تهمت بسته؟؟ و یا این که خواسته به خدا توهین نماید؟؟ و خداوند باید به  
 ایوب می گفت که تو به شیطان تهمت مزن. این منم که این کار را کرده ام . یا این که اعمال خودت بوده است. حال  
 اگر کسی، ملائی، آیت الله، حجت الاسلام، داکتر اسلامی و یا پر فیسورهای اسلامی در این باره توضیحاتی لطف  
 دارند ممنون خواهم شد چون می خواهم بدانم سبب رنج و بد بختی مصیبت ها برآدمیان از طرف خداست؟ یا  
 شیطان؟؟ یا اعمال خود آدمها؟؟ چون تناقض گوئی های قرآن زیاد است و نمی توان در این مختصر از تمام آنها یاد  
 آوری ومورد تحلیل و ارزیابی قرار داد فلذا با نوشته و مختصر تماس به آن میرویم به سراغ آیت های دیگر  
 قرآن. آیت ۲۸۶ سوره بقره می گوید : ( خداوند هیچکس را جز به اندازه توانائی اش تکلیف نمی کند ... «مؤمنان دعا  
 میکنند» که پروردگارا ..... آنگو نه که بر امت های پیش از ما تکلیف گران نهادی بر ما تکلیف گران منه و آنچه  
 را که طاقت آنرا نداریم بر ما تکلیف مکن .... ) این آیت به صراحت میگوید که : خداوند هیچکس را جز به اندازه  
 توانائی اش تکلیف نمیکند . اما در ادامه اعتراف می شود به این که خداوند بر امتهای پیشین تکالیفی مقرر کرده که  
 از حد توانائی شان بیشتر بوده است؟؟؟؟ توقع نظر خواهی دارم  
 ادامه دارد